



Re-Examination of the Ninety-Third Session (majlis) of al-Amālī of Shaykh al-Ṣadūq as a Source for Deriving Legal Rulings

Seyyed Mohammad Hossein Mirshahvalayati¹ | Ali Rad²

1. Corresponding Author, Ph.D. Graduate, Comparative Hadith Sciences, Faculty of Qur'an and Hadith, Al-Mustafa International University, Qom, Iran; Level Four Graduate (Specialization in Rijāl), Qom Seminary, Qom, Iran. E-mail: mostahfez257@gmail.com
2. Associate Professor, Department of Qur'anic and Hadith Studies, Farabi Campus, University of Tehran, Tehran, Iran; Level Four Graduate (Specialization in Tafṣīr and Qur'anic Studies), Qom Seminary, Qom, Iran. E-mail: ali.rad@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 14 June 2025

Revised: 26 July 2025

Accepted: 28 October 2025

Available online 1 November 2025

Keywords:

Ninety-Third Session, Al-Amālī, Shaykh al-Ṣadūq, Inference (Istinbāt), Juridical Ruling.



ABSTRACT

In the ninety-third session (*majlis*) of his treatise *al-Amālī*, Shaykh al-Ṣadūq addresses several doctrinal and jurisprudential issues. The preface to this session records that a group of scholars and elders approached Shaykh al-Ṣadūq requesting him to expound upon the doctrine of the Imāmiyya school. In response to this request, Shaykh al-Ṣadūq briefly referred to a number of theological and jurisprudential discussions, promising to elaborate and explain these inquiries at a more opportune time in the future. Since the eleventh century, Shī'a jurists have considered this specific session of *al-Amālī* as a source for the inference (*istinbāt*) of religious rulings, utilizing the legal opinions (*fatāwā*) of Shaykh al-Ṣadūq within the process of legal reasoning (*Ijtihād*). A notable point is the varied usage of this session by Shī'a jurists, with each approaching it from a distinct methodology. This research, employing a library-based methodology with a descriptive-analytical approach, endeavours to demonstrate, through a precise examination of this session and the typologies of Imāmiyya jurists' interaction with it, that the *fatāwā* of Shaykh al-Ṣadūq lack independent efficacy in the domain of *istinbāt*. This is due, on the one hand, to the significant discrepancy and inconsistency between these opinions and other *fatāwā* and traditions, and on the other hand, to the obscurity (*ijmāl*) of the expressions used. These *fatāwā* can, therefore, only serve as one piece of corroborating evidence alongside other utilized documents.

Cite this article: Mirshahvalayati, S. M. H.; Rad, A. (2024). Re-Examination of the Ninety-Third Session (majlis) of al-Amālī of Shaykh al-Ṣadūq as a Source for Deriving Legal Rulings. *Hadith Doctrines*, 8(16), 83-107. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.7116.1277>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

نوکاوای "مجلس نود و سوم امالی شیخ صدوق" به عنوان سندی برای استنباط احکام فقهی

سید محمدحسین میرشاه‌ولایتی^۱ | علی راد^۲

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته دکتری علوم حدیث تطبیقی، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه المصطفی (ص)، قم، ایران. دانش آموخته سطح چهار، علوم حدیث (گرایش رجال)، حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: mostahfez257@gmail.com
۲. دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکدگان فارابی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ دانش آموخته سطح چهار، تفسیر و علوم قرآن، حوزه علمیه قم، قم، ایران. رایانامه: ali.rad@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۶ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰ کلیدواژه‌ها: مجلس نود و سوم، امالی، شیخ صدوق، استنباط، حکم فقهی. 	شیخ صدوق در مجلس نود و سوم کتاب امالی به طرح برخی مسائل اعتقادی و فقهی پرداخته است. در مقدمه این مجلس، آمده که گروهی از علما و مشایخ به شیخ صدوق مراجعه کردند و از او خواستند تا دین امامیه را برایشان بیان کند. در پاسخ به این درخواست، شیخ صدوق به طور مختصر به تعدادی از مباحث کلامی و فقهی اشاره کرده و وعده داد که در آینده و در مجال مناسب به تبیین و شرح این جستار بپردازد. فقیهان شیعه از قرن یازدهم به این مجلس از امالی به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی توجه کرده و از فتاوی شیخ صدوق در فرایند اجتهاد بهره‌برداری کردند. نکته قابل ذکر آن است که استفاده فقهی شیعه از این مجلس متفاوت بوده و هر یک با رویکرد خاص خود به آن پرداخته‌اند. این پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی-تحلیلی کوشیده تا با بررسی دقیق این مجلس، گونه‌های تعامل فقیهان امامیه با آن را نشان دهد. فتاوی شیخ صدوق به دلیل ناهمخوانی و اختلافات زیاد با دیگر فتاوی و روایات از یک سو و نیز اجمال در عبارات از سوی دیگر، کارایی مستقل در عرصه استنباط را ندارند و این فتاوا تنها می‌توانند به عنوان یکی از شواهد، در کنار دیگر مدارک، مورد استفاده قرار گیرند.

استناد: میرشاه‌ولایتی، سید محمدحسین؛ راد، علی. (۱۴۰۳). نوکاوای "مجلس نود و سوم امالی شیخ صدوق" به عنوان سندی برای استنباط احکام فقهی. آموزه‌های حدیثی، ۸(۱۶)، ۸۳-۱۰۷. <https://doi.org/10.30513/hd.2025.7116.1277>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

عنوان «دین الإمامیه» نام کتاب حدیثی نیست بلکه جستاری برگرفته از مجلس نود و سوم کتاب امالی شیخ صدوق است. پس از ذکر تاریخ دقیق املا از سوی شاگردان، شیخ صدوق به صورت موجز و گزیده شروع به توصیف دین امامیه کرده است. وی پس از بیان برخی معتقدات ضروری مذهب امامیه به بیان احکام نماز، وضو، زکات، روزه، حج، نکاح و طلاق، وصیت و ارث پرداخته و سپس به برخی نکات اخلاقی اشاره کرده و در پایان شماری از محرمات را برمی شمرد و پس از خطبه پایانی نیز سه روایت پیرامون شب های قدر گزارش کرده و مجلس را به پایان رسانده است. شیخ صدوق در این اثر، عمدتاً بدون استناد مستقیم به آیات قرآن یا روایات، به بیان اصل احکام پرداخته است؛ هرچند در موارد معدودی، با استفاده از تعبیری همچون «روی» یا با نقل مستقیم آیات و روایات، فتوای خویش را مستندسازی کرده است که تفصیل آن خواهد آمد.

برخی بزرگان با استناد به واژه «وصف دین الإمامیه» مطالب بیان شده توسط شیخ صدوق را به نوعی بازتاب فتوای فقیهان معاصروی یا دست کم عالمان و مشایخ قمی شیعه دانسته و در فتاوای خود از آن بهره برده اند (ر.ک: گفتار کارکردهای مجلس نود و سوم از همین مقاله). روی هم رفته توجه به این مجلس از کتاب امالی شیخ صدوق، در راستای احراز فتاوای پیشینیان و کشف فضای فکری حاکم بر آن دوره، از اهمیتی بسزا برخوردار است و در این راستا رویکردهای فقیهان شیعه در مواجهه با این مجلس به طور مبسوط گزارش خواهد شد.

گفتنی است که دو سند دیگر نیز در عبارات فقیهان شیعه به چشم می خورد که به هدف استنباط حکم شرعی مورد استناد قرار گرفته اند و از جهات متعددی شبیه به مجلس نود و سوم از امالی هستند؛ نخست حدیث امام رضا (ع) که به درخواست مأمون عباسی پاره ای از مسائل کلامی و فقهی بیان شده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۲۱) و دیگر حدیث اعمش از امام صادق (ع) که با عنوان «خصال من شرائع الدین» برخی از احکام فقهی محل ابتلا را مطرح نموده است (شیخ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲،

ص ۶۰۳).

بر پایه جست‌وجوهای به‌عمل‌آمده نخستین بار، محقق سبزواری در طبقه شاگردان محقق اردبیلی به فتوای شیخ صدوق به‌عنوان دین امامیه استناد کرده و آن را به‌عنوان مستندی معتبر در استنباط احکام شرعی مورد استناد قرار داده است (محقق سبزواری، ۱۲۴۷، ج ۲، ص ۶۵ و ۳۰۰ و ۳۰۸؛ ناگفته نماند برخی فقها و محدثان همچون فاضل سیوری و ابن‌ابی‌جمهور احسائی پیش از وی به فقراتی از مجلس نود و سوم استناد کرده بوده‌اند اما کاربر است ایشان فقهی و به‌هدف استنباط حکم شرعی نبوده است. فاضل سیوری، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۹۸؛ احسائی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۶۵). پس از این پیشگامی علمی، گروهی از فقیهان و محدثان برجسته امامی همچون علامه مجلسی، کاشف اللثام، محدث بحرانی و وحید بهبهانی از این مجلس، برای استنباط احکام شرعی بهره برده‌اند. در ادوار متأخر، این رویه علمی به‌صورت روشی رایج در فرایند استنباط احکام درآمد، چنان‌که بزرگ‌ترین موسوعه‌های فقه شیعی، از جمله مفتاح الکرامه سید محمدجواد عاملی و جواهر الکلام محمدحسن نجفی به فراوانی و با اهتمامی ویژه به این منبع حدیثی استناد نموده و آن را در استدلال‌های فقهی خویش جای داده‌اند (برای نمونه ر.ک: عاملی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۰۴ و ج ۲، ص ۵۱۰ و ج ۳، ص ۱۵۴ و ج ۴، ص ۴۸۱ و ج ۵، ص ۳۴ و ج ۶، ص ۳۳۰ و...؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۴۴ و ج ۲، ص ۹۳ و ج ۴، ص ۳۹۰ و ج ۵، ص ۲۷۰ و ج ۶، ص ۳۱ و ج ۷، ص ۴۶۷ و...). این سیر تطور تاریخی، نشانگر اعتبار روزافزون این مجلس روایی در منظومه استنباط فقه امامیه است.

پیشینه پژوهش: موضوع مورد بحث در این پژوهش، فاقد هرگونه سابقه تحقیقی مستقیم است و نگارندگان برای نخستین بار با رویکردی تحلیلی-انتقادی به‌واکاوی نظام‌مند این مسئله پرداخته‌اند. اگرچه در برخی از منابع پژوهشی به‌صورت گذرا به مقوله کلی «امالی‌نگاری» یا ویژگی‌های «امالی شیخ صدوق» اشاره شده است (برای نمونه ر.ک: احمدی و رحمتی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵)، اما مسئله محوری این تحقیق تاکنون مورد توجه جدی محققان قرار نگرفته است. این اثر به‌عنوان نخستین پژوهش تخصصی در این موضوع، گامی نوین در گسترش مرزهای دانش در این حوزه محسوب می‌شود.

۱. نود و سومین مجلس؛ زمان و مکان برگزاری

در آغاز این مجلس، بیان شده که املای آن در روز جمعه، دوازدهم ماه شعبان سال ۳۶۸ هجری قمری صورت پذیرفته است، هرچند به مکان برگزاری آن اشاره‌ای نشده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۳۹). در ابتدای مجلس هشتاد و نهم، تصریح گردیده که این مجلس در منزل سید یحیی بن محمد علوی برگزار شده است. قابل توجه است که تاریخ این مجلس، روز یکشنبه، اول ماه شعبان و دو هفته پیش از مجلس نود و سوم بوده است. بر اساس گزارش نجاشی، ابو محمد یحیی بن محمد علوی، از متکلمان برجسته شیعه و ساکن شهر نیشابور بوده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۰۸)؛ بنابراین، شیخ صدوق دو هفته پیش از این مجلس در نیشابور و در منزل آن سید جلیل‌القدر حضور داشته است.

با این حال، احتمال دارد که محل برگزاری مجلس نود و سوم، نیشابور نبوده است؛ چراکه شیخ صدوق در پایان این مجلس می‌نویسد: «این است آنچه به سرعت و عجله در وصف دین امامیه به نگارش درآمد. و گفته‌ام که شرح و تفسیر این مطالب را زمانی خواهم نگاشت که خدای متعال، عزّ اسمّه، بازگشتم را از مقصدم به نیشابور، میسر گرداند، إن شاء الله» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۵۳).

نکته دیگر شایان توجه، این است که در آغاز مجلس بعدی، یعنی مجلس نود و چهارم، که متعلق به روز هفدهم ماه شعبان، یعنی پنج روز پس از مجلس نود و سوم می‌باشد، تصریح شده که مکان برگزاری آن، مشهد مقدس بوده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۵۴). جالب آن که در مجالس بعدی نیز اشاره گردیده که محل تشکیل این مجالس، شهر مشهد مقدس بوده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۶۵ و ۶۷۱ و ۶۷۴). از این رو، احتمال این که مجلس نود و سوم نیز در مشهد برگزار شده باشد، تضعیف می‌گردد؛ زیرا اگر این مجلس نیز در شهر مشهد برگزار می‌شد، می‌بایست به آن اشاره می‌گردید، همان گونه که در مورد مجالس بعدی چنین شده است. شاهد دیگری که این موضوع را تأیید می‌کند، آن است که در مقدمه مجلس نود و سوم آمده، بسیاری از مشایخ و بزرگان نیز در آن مجلس حضور یافته‌اند. با توجه به داده‌های تاریخی، مشایخ اهل سنت و نیز شیعه در آن زمان عمدتاً در شهر نیشابور ساکن بوده‌اند و در

شهر مشهد، چهره‌های علمی برجسته‌ای حضور نداشته‌اند؛ گرچه طوس در آن روزگار از مراکز فعال علمی - حدیثی به شمار می‌رفته است، اما مرکزیت علمی با نیشابور بوده است (برای اطلاع بیشتر ر.ک: اشرفی، ۱۳۸۹، سرتاسر و محمد الفاجالو، ۱۴۳۱، ص ۵۲ تا ۵۵ و ۲۵۷ تا ۴۸۴).

افزون بر این، به نظر می‌آید تمامی مجالس شیخ صدوق یا در نیشابور و یا در مشهد مقدس برگزار شده است (گرچه برخی بر این باورند که بسیاری از مجالس، در ری املا شده‌اند، احمدی و رحمتی، ۱۳۸۹، صص ۱۷۶ و ۱۷۷). گواه این ادعا آن است که در مجلس بیست و پنجم آمده که شیخ صدوق در روز بیستم ماه ذی‌الحجه در مشهد حضور داشته است، که این امر حاکی از آن است که وی پیش از آن در شهری دیگر - به احتمال قوی نیشابور - اقامت داشته است. همچنین، در ابتدای مجلس بیست و هفتم تصریح شده که وی در اول محرم به نیشابور بازگشته است. این قرائن دلالت بر رفت و آمد وی میان این دو شهر و برگزاری مجالس در این دو مکان دارد (برای اطلاع بیشتر بنگرید: نویدفر، ۱۴۹۷، ص ۹۹)؛ گرچه امکان برگزاری مجلس یادشده در منزلی میان نیشابور و مشهد به طور کامل منتفی نیست، اما با توجه به اینکه حضور اعضای مجلس شیخ صدوق به همراه بزرگان و عالمان دین در چنین مکانی - منزلی واقع در میان راه نیشابور و مشهد - بسیار بعید و دور از تصور به نظر می‌رسد، این فرضیه چندان مقرون به واقعیت نمی‌نماید.

در توجیه سخن پایانی شیخ صدوق نیز می‌توان گفت به احتمال قوی، وی در نیشابور حضور داشته است، اما از آنجاکه قصد سفر به مشهد را داشته، به شاگردان خود وعده داده است که پس از بازگشت از سفر به نیشابور، به نگارش شرح و تفسیر «وصف دین الامامیه» اقدام نماید.

۲. کامیابی شیخ صدوق در نگارش مقاله «وصف دین الإمامیه»

به نظر می‌رسد شیخ صدوق در نهایت توفیق یافت تا این جستار مختصر را به تفصیل شرح نموده و آن را در قالب اثری مکتوب به جامعه علمی عصر خویش تقدیم نماید. گواه این ادعا، نوشتاری با عنوان «کتاب دین الإمامیه» است که شیخ طوسی در ضمن فهرست نگاری آثار شیخ صدوق، به آن اشاره نموده است (شیخ

طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۴۴). این کتاب به احتمال قوی، شرح و بسط همان مجلس نود و سوم از کتاب امالی می باشد که وی وعده شرح و تبیین آن را داده بود. ناگفته نماند نجاشی، با وجود آن که به بررسی و اشاره تفصیلی تری نسبت به آثار شیخ صدوق می پردازد، یادآور این کتاب خاص نمی گردد؛ هرچند وی به صراحت تأکید می کند که تألیفات شیخ صدوق بسیار فراوان بوده و تنها به ذکر بخشی از آن ها بسنده می کند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۹).

اما اشکالی که می بایست بدان پاسخ گفت، این است که بر اساس گزارش نجاشی، شیخ صدوق در سال سیصد و پنجاه هجری قمری (نجاشی، ۱۳۶۵)، یا به روایتی دیگر، در سال سیصد و پنجاه و دو (مامقانی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۵۵)، به شهر بغداد وارد شده و با علما و بزرگان آن دیار ملاقات نموده و آثار خویش را به ایشان اجازه داده است. همچنین، شیخ طوسی نیز از طریق مشایخ بغدادی، این کتاب ها را به شیخ صدوق نسبت می دهد (شیخ طوسی، ۱۴۲۰، ص ۴۴۴). حال آن که مجلس نود و سوم از کتاب امالی، متعلق به سال سیصد و شصت و هشت هجری قمری است و بی تردید، نگارش شرح این مجلس می بایست پس از این تاریخ صورت پذیرفته باشد. در هر صورت، امروزه کتابی با عنوان «وصف دین الإمامیه» در دسترس نیست.

در مقام برون رفت از اشکال یادشده، می توان به سه راه حل اشاره نمود؛ نخستین راه حل قابل طرح این است که شیخ صدوق احتمالاً بیش از یک بار به بغداد سفر کرده است. بر این اساس، پس از سال ۳۶۸ قمری و تألیف کتاب «وصف دین الامامیه»، وی مجدداً به بغداد عزیمت نموده و این اثر را به مشایخ بغدادی اجازه داده است. این احتمال، با توجه به سفرهای متعدد و گسترده شیخ صدوق به شهرهای مختلف، امری بعید و ناممکن به نظر نمی رسد؛ با این حال، شواهد مستندی که بتواند حضور وی در بغداد و دیدار با مشایخ بغدادی را پس از تاریخ یادشده تأیید کند، در دسترس نیست (ملکیان، ۱۴۰۴، ص ۲۳۲).

احتمال دوم آن است که شیخ صدوق، هنگامی که اظهار داشت پس از بازگشت به نیشابور کتابی در شرح این مجلس تألیف خواهد کرد، در واقع نسخه ای

مقدماتی یا تحریری از آن اثر مفصل را در اختیار داشته و همان نسخه را در سال ۳۵۵ قمری به مشایخ بغداد اجازه داده بود. با این حال، وی قصد داشته است تحریری جدید و کامل‌تری از آن کتاب را به رشته تحریر درآورد، وعده‌ای که در پایان مجلس نود و سوم به مخاطبان خود داده بود.

سومین احتمال آن که شیخ طوسی با اتکا به همان طریق مشایخ بغداد، که متعلق به سال‌های ۳۵۲ یا ۳۵۳ هجری قمری بوده است، آثاری را که متعاقباً توسط شیخ صدوق تألیف گردیده و عناوین آن‌ها به شیخ طوسی منتقل شده است، با همان طریق عام گزارش نموده است (ملکیان، ۱۴۰۴). این رویکرد در تقابل با روش نجاشی قرار می‌گیرد، چنان‌که وی به هنگام بیان طریق خود به کتب شیخ صدوق، تصریح می‌کند که این کتب را از طریق پدرش نقل کرده و برخی از آن‌ها را نیز در محضر پدرش قرائت نموده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۲). این امر گواه آن است که طریق نجاشی به نسخه‌های مشخص و معینی بوده است، نه صرفاً به عنوان آن کتاب‌ها. به بیان دقیق‌تر، شیخ طوسی با استناد به اجازه عامی که شیخ صدوق به مشایخ بغداد اعطا نموده بود، اقدام به ثبت و گزارش آثار و تألیفاتی نموده که پس از دوران وی به نگارش درآمده و نسخه‌ها یا حتی عناوین آن‌ها به دست وی در بغداد رسیده بود. این رویکرد از جانب شیخ طوسی، امری کاملاً محتمل به نظر می‌رسد و دور از انتظار نیست.

ناگفته نماند که نجاشی هنگام فهرست کردن نوشته‌های شیخ صدوق، از کتابی با نام «العرض فی/علی/عن المجالس» یاد کرده است که شاید همان کتاب «دین الامامیه» باشد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۸۹). دلیل این گمان آن است که وی از واژه «المجالس» استفاده نکرده، بلکه عبارت «العرض فی المجالس» را به کار برده است. با نگاه به پیشگفتار مجلس نود و سوم، که در آن گروهی از بزرگان نزد شیخ صدوق آمده و از او خواسته‌اند تا دین امامیه را در آن مجلس برایشان بیان کند، این احتمال قوت می‌گیرد که مقصود از «العرض فی المجالس» همان شرح مجلس نود و سوم باشد. با این حال، این گمان تا اندازه‌ای سست می‌شود، زیرا ابن شهر آشوب هنگام برشمردن نوشته‌های شیخ صدوق، به هر سه کتاب «امالی»، «دین الامامیه» و

«العرض في المجالس» به گونه‌ای جداگانه اشاره کرده است (مازندرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲) که این خود نشان دهنده آن است که کتاب «العرض في المجالس» با کتاب «دین الامامیه» متفاوت است. مگر آن که بپذیریم ابن شهرآشوب خود به طور مستقیم به نوشته‌های شیخ صدوق دسترسی نداشته و تنها با نگاه به فهرست‌های شیخ طوسی و نجاشی، به ذکر آثار شیخ صدوق پرداخته است.

۳. اختلاف نسخه‌ها در مجلس نود و سوم

کتاب امالی دارای نسخه‌های گوناگونی است که از نظر قدمت و اعتبار یکسان نیستند. در این پژوهش، اعتماد نگارندگان در بررسی متن مجلس نود و سوم، بر تحقیق پژوهشگران بخش پژوهش‌های اسلامی مؤسسه بعثت استوار است که زحمت تحقیق و تصحیح این کتاب را بر عهده داشته‌اند. این محققان در فرایند تحقیق خود، به مقایسه و مقارنه دو نسخه معتبر پرداخته‌اند؛ یکی نسخه آیت الله زنجانی که خود حاصل تحقیق پنج نسخه خطی بوده است، و دیگری نسخه سید عبدالعزیز طباطبایی. پس از این مقایسه، ایشان به پالایش، ویرایش و تخریج متن اقدام نموده‌اند. این رویکرد دقیق و روشمند، اعتبار و اتقان متن تحقیق شده را به طور چشمگیری افزایش داده و آن را به منبعی قابل اعتماد برای پژوهش‌های بعدی تبدیل کرده است (شیخ صدوق، ۱۴۱۷، ص ۴۴ و ۴۵).

اختلاف نسخ در متن مجلس نود و سوم بسیار اندک است و در بسیاری از موارد نیز، این اختلاف‌ها به گونه‌ای نیستند که موجب تفاوت در معنای واژگان و در نتیجه، تغییر در فتوا شوند. برای نمونه، در عبارت «ولا سهو في النافلة فمن سها في نافلة فليبين على ما شاء»، در برخی نسخ پس از جمله «فمن سها في نافلة»، عبارت «فليس عليه شي» آمده است که این افزوده، تفاوتی در معنا ایجاد نمی‌کند. یا در مثالی دیگر، در مقام شمارش غسل‌های مشروع، به جای «وعند الإحرام»، عبارت «و غسل الإحرام» آمده است که این نیز تغییری در مفهوم کلی ایجاد نمی‌کند. با این حال، در برخی موارد، اختلاف نسخ به گونه‌ای است که فتوا به طور کلی تغییر می‌یابد. برای نمونه، در تعیین مقدار حجم کُرّ، یک نسخه آن را معادل «هزار و دویست سطل عراقی» و نسخه‌ای دیگر آن را معادل «هزار و دویست سطل مدنی»

ذکر کرده است که بدون شک مقدار این دو با یکدیگر متفاوت است. یا در مثالی دیگر، در بیان کیفیت تیمم بدل از غسل جنابت در یکی از نسخ آمده که می‌بایست دوبار دست را بر زمین زند، یک بار برای مسح صورت و دگر بار برای مسح دستان در حالی که این مسئله در نسخ دیگر امالی به چشم نمی‌خورد.

این نمونه‌ها نشان می‌دهند گرچه در بیشتر موارد اختلاف نسخ، تأثیر چندانی بر معنا و فتوا ندارد، ولی در برخی موارد خاص، این اختلاف‌ها می‌توانند به تغییرات قابل توجهی در احکام فقهی منجر شوند. البته این ناهم‌سویی میان نسخه‌ها نمی‌تواند باعث ایجاد مشکلات اساسی شود، چراکه با توجه به قرائن و شواهد دیگر، مانند فتوای شیخ صدوق در دیگر آثار وی همچون کتاب «من لا یحضره الفقیه»، «المقنع» و «الهدایه»، و همچنین روایاتی که وی در آثار حدیثی خود آورده است، این تعارضات نسخه‌ای قابل رفع خواهند بود.

۴. مخاطبان شیخ صدوق

بر اساس برخی پژوهش‌ها، هدف اصلی شیخ صدوق در تألیف کتاب الأمالی، تبیین اصول و فروع مذهب امامیه برای مخاطبان اهل سنت بوده است. وی در این اثر با رویکردی استدلالی، به معرفی ائمه اثنی عشر و تبیین جایگاه آنان در منظومه اعتقادی شیعه پرداخته است. بررسی آماری محتوای کتاب نشان می‌دهد که بیش از نیمی از آن به بیان فضائل اهل بیت (ع) و تحلیل مسئله امامت اختصاص یافته است (نویدر، ۱۳۹۷، ص ۹۰).

در تحلیل این مجلس، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد دست‌کم بخشی از مخاطبان شیخ صدوق، بزرگان اهل سنت بوده‌اند. تصریح به حضور «مشایخ و اعلام» در مجلس - که عمدتاً از عالمان سنی مذهب نیشابور بوده‌اند - مؤید این نظر است. همچنین، رویکرد تقریب‌گرایانه شیخ صدوق در طرح مباحث اعتقادی و فقهی، با پرهیز از اشاره به اختلافات حادث تاریخی و تمرکز بر مشترکات، این فرضیه را تقویت می‌کند. به عنوان مثال، وی در این مجلس به جای پرداختن به مباحث اختلافی، صرفاً به تعریف کلی ایمان و اهمیت شهادتین اکتفا کرده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۳۹). در بخش فقه نیز عمدتاً به ادله مورد قبول فریقین استناد

جسته و از طرح انفرادات شیعی پرهیز نموده است؛ مانند اجتناب از تصریح به بطلان «طلاق ثلاث» و اقرار به مذهب رؤیت در اثبات هلال ماه رمضان که برخلاف نظر مشهور امامیه است (محقق تستری، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۲۶۹).

با این حال، دلایلی وجود دارد که این دیدگاه را به چالش می کشد. اولاً، شواهد تاریخی حاکی از حضور حداقل سی محدث امامی در نیشابور آن دوران است (اشرفی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰). ثانیاً، شیخ صدوق در همین مجلس به صراحت به برخی اختلافات فقهی مانند خمس، حج تمتع و متعه اشاره کرده است. همچنین، طرح مباحثی مانند شرایط تقیه و وجوب پرداخت زکات به شیعیان، با فرض حضور عالمان سنی در مجلس، نامعقول به نظر می رسد. نکته دیگر اینکه معمولاً عالمان مذاهب برای مباحث استدلالی یا نقل حدیث به محافل علمی یکدیگر می رفتند، در حالی که محتوای این مجلس - که بیشتر بیان فهرست وار عقاید امامیه بوده - جاذبه چندانی برای عالمان سنی نداشته است. هرچند نمی توان حضور عوام اهل سنت را در این مجالس نفی کرد، چراکه این امر در آن دوره متعارف بوده است. در جمع بندی نهایی، با وجود برخی شواهد اولیه که احتمال حضور عالمان سنی را مطرح می کنند، قرائن محکم تری وجود دارد که این فرضیه را رد می کند. شیخ صدوق اگرچه رویکردی تقریب گرا داشته، اما در عین حال به تبیین صریح بسیاری از عقاید و احکام خاص امامیه پرداخته است که بیان آن ها در حضور عالمان مخالف، چندان معقول به نظر نمی رسد.

۵. گزارشی از متن مجلس نود و سوم

همان طور که گذشت شیخ صدوق این مجلس را با بیان برخی واجبات اعتقادی آغاز کرده است که شایسته است کلام پژوهان این گزاره ها را با سخنان مشهور متکلمان شیعه و نیز روایات معتبر سنجیده و این بخش از مجلس نود و سوم را ارزیابی نمایند. در پایان مجلس نیز به برخی نکات اخلاقی و سپس شماری از محرمات الهی اشاره گردیده است گرچه تمام این مباحث از مدار سخن این نوشتار خارج بوده و آن چه مورد نظر نگارندگان است، بررسی بخش فقهی این مجلس است. شیخ صدوق، توصیف دین امامیه را با بیان احکام نماز آغاز نموده است که به

گمان بسیار، این رویکرد ریشه در جایگاه بلند و اهمیت بی‌همتای نماز در اندیشه اعتقادی اسلام دارد؛ چراکه نماز به عنوان ستون دین و نخستین پرسشی که در روز رستاخیز از انسان می‌شود، شناخته شده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۳۹). وی در گام پسین، به بیان احکام مرتبط با طهارت روی می‌آورد که این رویکرد به گمان بسیار، از آن روست که بحث طهارت به عنوان پیش درآمد و مقدمه‌ای ضروری برای نماز شمرده می‌شود.

وی در ادامه، به بیان احکام زکات و خمس، که از واجبات مالی برجسته و بنیادین در شریعت اسلامی به شمار می‌روند، پرداخته و سپس به احکام روزه و پس از آن، حج روی آورده است. وی در گام‌های بعدی، به ذکر احکام نکاح، طلاق، وصیت و ارث پرداخته و بیش از این، در توصیف دین امامیه سخنی به میان نیاورده است. نگارندگان، هرچند با دقت و تأمل بسیار در این موضوع اندیشیدند، ولی علت این انحصار و محدودیت در بیان دین امامیه به این موارد را نیافت. این پرسش همچنان باقی است که چرا شیخ صدوق دین امامیه را تنها در این احکام خاص خلاصه کرده و به دیگر جنبه‌های فقهی آن نپرداخته است. شاید این رویکرد، نشان‌دهنده نگاهی ویژه به این احکام به عنوان ارکان اصلی و پایه‌های استوار دین باشد، ولی پاسخ دقیق این پرسش نیازمند بررسی و پژوهش بیشتر است. در ادامه سزاوار است تا گزارشی کوتاه و در قالب جدول، از این مجلس و جستارهای مطرح شده در آن ارائه گردد.

عناوین ابواب	حکم تکلیفی / وضعی	حکم الزامی / غیر الزامی	نمونه
۱	صلات	۵۸ حکم تکلیفی ۱۳ حکم وضعی	۳۹ حکم الزامی ۱۹ حکم غیر الزامی
۲	طهارت	۹ حکم تکلیفی	۵ حکم الزامی ۴ حکم غیر الزامی

		۲۵ حکم وضعی	و كذلك التيمم ما لم يحدث أو يصب ماء
۳	زکات	۱ حکم تکلیفی ۲ حکم وضعی	لا يعطى من أهل الولاية الأيوان و الولد و الزوج و الزوجة و المملوك و كل من يجبر الرجل على نفقته
۴	خمس	۱ حکم تکلیفی ۲ حکم وضعی	هو لله عز و جل و لرسوله ص و لذي القربى من الأغنياء و الفقراء و الأيتام و المساكين و ابن السبيل من أهل الدين
۵	صيام	۱۲ حکم تکلیفی ۶ حکم وضعی	هو [صيام شهر رمضان] بالرؤية و ليس بالرأى و لا بالتظني و من صام قبل الرؤية فهو مخالف لدين الإمامية
۶	حج	۱۶ حکم تکلیفی ۴ حکم وضعی	حد حاضر المسجد الحرام أهل مكة و حوالها على ثمانية و أربعين ميلا و من كان خارجا من هذا الحد
۷	نکاح	۳ حکم وضعی	لا يزوجه أبوها و لا غيره إلا بمن ترضى بصداق مفروض
۸	طلاق	۳ حکم وضعی	لا يقع الطلاق إلا على الكتاب و السنة و لا يمين في طلاق و لا في عتق
۹	وصیت	۱ حکم تکلیفی ۲ وضعی	ينبغي للمسلم أن يوصي لذوي قرابته ممن لا يرث بشيء من ماله قل أم كثر و من لم يفعل ذلك فقد ختم عمله بمعصية

۱۰	میراث	۵ حکم وضعی	-	سهام الموارث لا تعول علی ستة ولا یرث مع الولد والأبوين أحد إلا زوج أو زوجة
----	-------	---------------	---	--

۶. ادله به کاررفته در مجلس ۹۳

همان گونه که پیش تر اشاره شد، شیخ صدوق در این مجلس بیشتر به بیان دیدگاه‌های اعتقادی، فقهی و اخلاقی مکتب امامیه پرداخته و تنها در مواردی اندک به استدلال‌آوری مبادرت نموده است. با این حال، با تخریج متون روایات و مشابیهایی در سایر منابع، می‌توان دریافت که بیشتر عبارات او در این مجلس، ریشه در احادیث و روایات معصومان (ع) دارد (برای نمونه ر.ک: عبارت «لا یقطع صلاة المسلم»، «و هی سجدة لقمان»، «وضعت الجمعة عن تسعة عن الصغير و الكبير» و... در امالی، کافی، فقیه و خصال). ادله و براهینی که مورد تأکید شیخ صدوق بوده را می‌توان در سه بخش اصلی دسته‌بندی کرد:

۱. قرآن: شیخ صدوق در این مجلس، تنها در سه موضع به آیات قرآنی استناد کرده است که از این میان، دو مورد به شکل آشکار و مستقیم به آیات اشاره کرده (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، صص ۶۴۶ و ۶۵۰) و یک مورد نیز به صورت غیرمستقیم، عبارت خود را با محتوای آیه همسو ساخته است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۴۸).

۲. سنت: استناد به سنت -یا همان، گفتار، کردار و سکوت معصومان (ع) که در کنار قرآن به عنوان مهم‌ترین سند استنباط به شمار می‌رود- نیز در موارد محدودی به چشم می‌خورد. شیخ صدوق در برخی موارد سنت را از مسیر حدیث گزارش کرده و در مواردی به طور مستقیم و بدون اشاره به حدیث و با عبارت «جرت السنة» بیان داشته است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، صص ۶۴۲ و ۶۵۱). همچنان که در چند نمونه به فعل نبی (ص) تمسک کرده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، صص ۶۴۵ و ۶۴۸ و ۶۵۰). احادیث نیز گاهی عامی و گاهی شیعی هستند. وی در برخی موارد نیز بدون یادکرد از گوینده حدیث و با تعبیر «روی» سنت را گزارش می‌کند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۴۶). وی در یک مورد و به گاه بیان اختلاف دیدگاه خود با دیگر مشایخ، به عمل اصحاب امامیه تمسک کرده است (شیخ صدوق، ۱۳۷۶).

۳. وجوه اجتهادی: نگارنده در برخی موارد به وجوهی تمسک کرده است که خاستگاه روشنی از قرآن و سنت نداشته و به ظاهر اجتهاد ایشان است. برای نمونه پس از تبیین اعمال مستحبی ماه رمضان و شب‌های قدر می‌نویسد: «هر کس این دو شب را با بحث علمی بگذراند، برترین عمل را انجام داده است» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۴۹). این سخن منشأ قرآنی و روایی نداشته و احتمالاً با توجه به احادیث کلی درباره فضیلت علم آموزی به این نتیجه رسیده است (آیت‌الله زنجانی، گعده‌های علمی؛ شب بیستم ماه رمضان "شنبه ۵ خرداد ۱۳۹۵"). در مورد دیگری نیز پس از بیان این که تنها غسل جنابت است که کفایت از وضو می‌کند می‌نویسد: «لأنه [غسل جنابت] فريضة وإذا اجتمع فرضان فأكبرهما يجزي عن أصغرهما» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۶۴۷). این تعبیر نیز ریشه قرآنی. حدیثی نداشته و به نظر اجتهادی از سوی مؤلف باشد.

۷. کارکردهای مجلس ۹۳ در فرایند استنباط

فقیهان شیعه در استناد به مجلس نود و سوم از کتاب امالی شیخ صدوق به عنوان منبعی برای استنباط احکام شرعی، رویکردی یکسان نداشته‌اند، بلکه اختلاف نظرهای اساسی در شیوه بهره‌گیری از این متن مشهود است. از این رو، ضروری است که جایگاه و کارکردهای این مجلس در استدلال‌های فقهی امامیه مورد واکاوی دقیق قرار گیرد و چگونگی به‌کارگیری آن در سخنان فقها، تبیین و تحلیل گردد.

بسان اجماع: بسیاری از فقیهان امامیه در مقام مواجهه با فتاوی شیخ صدوق در این مجلس - که آن را متصف به "دین امامیه" کرده است - آن را هم‌رتبه با اجماع دانسته‌اند به گونه‌ای که رأی معصوم (ع) از رهگذر آن قابل کشف خواهد بود. برای مثال وحید بهبهانی در نمونه‌ای می‌نویسد: «خصوصاً مثل الإجماع الذي نقلناه عن الصدوق، و أنه جعله من عقائد الإمامية التي يجب الإقرار بها.» (وحید بهبهانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۲۱) و یا در جای دیگری می‌نویسد: «و الصدوق في أماليه نسبة إلى عقائد الإمامية، فظهر أنه لم يكن أحد من القدماء قائلًا بخلافه.» (وحید بهبهانی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۰۷) همو در برخی موارد فتاوی صدوق در امالی را، جبران‌کننده ضعف صدور

حدیث پنداشته است (وحید بهبهانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۲۹۲). میرزای قمی نیز فتاوی صدوق را هم‌ردیف اجماع دانسته است (میرزای قمی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۷). برخی معاصران اما پا را فراتر نهاده و فتاوی شیخ صدوق در این مجلس را بازتاب احکام ضروری و یقینی امامیه پنداشته‌اند که نیازی به اعمال اجتهاد و نظر ندارد (سیستانی، ۱۴۳۷، صص ۳۷۷ و ۳۷۸). ناگفته نماند برخی از فقهای تراز شیعه همچون شیخ انصاری و شیخ حسن کاشف الغطاء به نقد فتاوی شیخ صدوق و اجماعی بودن آن پرداخته و در مواردی دست از ظاهر عبارت شیخ صدوق کشیده و در مواردی به علت ناهمسویی با معارض قوی‌تر آن را کنار نهاده‌اند (شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۲ و کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۹). همچنان که برخی دیگر از اساس در همسانی عبارت "من دین الامامیه" با اجماع، تردید کرده و آن را نپذیرفته‌اند. شیخ الشریعه اصفهانی می‌نویسد: «و فیه انه لیس ظاهراً فی الإجماع کما قال به صاحب الرياض بل هو نظیر قول الشہید فی تسمیة کتابه بفقہ الإمامیة و تعریفه به مع ان جمیعہ لیس من فقہ الإمامیة کما هو واضح، بل هذا أدون من الإجماع.» (اصفهانی، بی‌تا، ص ۲۳۱).

بسان شهرت: برخی فقها اما فتاوی شیخ صدوق را همسان با مفهوم شهرت فتوایی انگاشته‌اند که از فضای رایج میان فقیهان آن دوره پرده برمی‌دارد. برای نمونه نراقی در موضعی می‌نویسد: «و دعوی آنّه من دین الإمامیة الظاهرة فی اشتہار فی الصدر الأول.» (نراقی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۳۶) پرواضح است که اگر فتاوی او را گویای دیدگاه مشهور فقیهان امامیه در آن روزگار بدانیم، مخالفت برخی فقیهان زیسته در آن عصر به تحقق این شهرت خللی وارد نخواهد کرد برخلاف آن‌که فتاوی امالی به منزله اجماع تلقی گردند.

کاشف از روایتی مفقود: برخی از فقها، بدون آن‌که فتاوی این مجلس را بیان‌گر اجماع یا شهرت فتاوی اصحاب بدانند با توجه به رویکرد شیخ صدوق در نگارش آثار فقهی خود آن را کاشف از حدیثی می‌دانند که در دسترس وی بوده و به ما نرسیده است. برای نمونه شیخ عبدالکریم یزدی می‌نویسد: «و عن الأمالی ان من دین الإمامیة الإقرار بذلك ... الی غیر ذلك من العبارات و لعل هؤلاء الأعظم اطلعوا علی غیر ما بآیدینا من الاخبار.» (حائری، کتاب الصلاة، ص ۱۱۲) علامه مجلسی نیز این

مجلس را در کتاب بحار آورده است چراکه اصحاب، عبارات شیخ صدوق و پدر او را جانشین متون احادیث می‌انگارند (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۴۰۶).

شاهد وثوق‌زا در فرض افتتاح: در این میان رویکرد چهارمی نیز قابل مشاهده است که اگرچه فتاوی شیخ صدوق را هم‌تراز با اجماع یا شهرت فتوایی نمی‌داند، اما آن‌ها را به عنوان مؤید و شاهد قابل اعتنایی در کنار سایر قرائن معتبر می‌شمارد. در این نگرش، آرای صدوق به عنوان یکی از عناصر تشکیل‌دهنده وثوق و اطمینان به حکم شرعی مورد استناد قرار می‌گیرد. این دیدگاه به‌ویژه در مواردی که باب اجتهاد باز بوده و امکان تحصیل علم به حکم شرعی وجود دارد، از کارایی بیشتری برخوردار است. در چنین فضایی، آرای شیخ صدوق می‌تواند به عنوان بخشی از مجموعه شواهد و مدارک فقهی، در فرایند استنباط احکام نقش‌آفرینی کند. به نظر می‌رسد بیشینه فقیهان افتتاحی که به فتاوی شیخ صدوق در کتاب امالی با وصف "دین الإمامیه" استناد کرده‌اند، دقیقاً از همین منظر به موضوع نگریسته‌اند (برای نمونه ر.ک: شیخ انصاری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۹۶ و محقق همدانی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۴۷ و حکیم، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۱۸۶ و...). در این دیدگاه، آرای صدوق نه به عنوان دلیل مستقل، بلکه به مثابه بخشی از مجموعه قرائن و شواهدی که در کنار هم می‌توانند موجبات اطمینان به حکم شرعی را فراهم آورند. شواهد این نگرش را می‌توان در ساختار استدلالی بسیاری از آثار فقهی امامیه مشاهده کرد، جایی که فقها با گردآوری و ترکیب ادله مختلف - از جمله روایات، اجماعات و نیز فتاوی اصحاب - در پی تحصیل یقین یا اطمینان به حکم شرعی بوده‌اند (برای نمونه بنگرید: محقق نجفی، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴ و حسینی عاملی، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۴۳ و...). این شیوه از استنباط که از آن به "طریق افتتاح" تعبیر می‌شود، در واقع نشان‌دهنده نگاهی جامع‌نگر به منابع فقهی است که در آن هر یک از ادله به تنهایی ممکن است حجیت کامل نداشته باشند، اما مجموعه آن‌ها می‌تواند مبنای محکمی برای استنباط احکام فراهم آورد.

مفید ظن قوی در فرض انسداد: در مقابل فقیهان افتتاحی، فقیهان انسدادی قرار دارند که تحصیل علم و علمی یا همان ظن معتبر به احکام شرعی را در عصر غیبت ناممکن می‌پندارند که در پی آن مطلق ظن حجت خواهد بود. کارایی فتاوی

شیخ صدوق در مجلس نود و سوم بنابر فرض انفتاح بسیار روشن خواهد بود زیرا بدون تردید فتوای فقیه و محدثی سترگ که نزدیک به عصر امامان (ع) می‌زیسته است همراه با ادعای همسویی آن با دین امامیه ظن‌آوری بسیار بالایی خواهد داشت. برای نمونه می‌توان به صاحب ریاض (ر.ک: مهریزی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۵۵، رساله في حجة الشهرة) اشاره کرد که در نمونه‌های فراوانی به فتاوی صدوق در این مجلس استناد کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۲۳۷ و ج ۲، صص ۸۸ و ۳۱۳ و ...).

۸. ارزیابی نهایی

همان‌طور که گذشت برخی فقیهان با استناد به واژه «وصف دین الإمامیه» مطالب بیان شده توسط شیخ صدوق را به‌نوعی بازتاب فتوای فقیهان معاصروى و یا دست‌کم عالمان و مشایخ قمی شیعه دانسته و در فتاوی خود از آن بهره برده‌اند. در مقابل برخی بزرگان، بسیاری از دیدگاه‌های صدوق در این مجلس را در تعارض با اندیشه‌های مشهور عالمان شیعه انگاشته و آن را نقد کرده‌اند. بی‌گمان، تأمل در این مجلس، در مسیر احراز فتاوی پیشینیان و کشف فضای فکری حاکم بر آن دوران، بی‌تأثیر نخواهد بود؛ تا بدان‌جا که می‌توان گفت این اثر نه تنها به‌عنوان سندی در بازشناسی آراء فقهی و کلامی عالمان پیشین کارآمد است، بلکه پنجره‌ای روشن به سوی فهم جریان‌های فکری و مبانی اعتقادی رایج در آن عصر می‌گشاید. از این روی، واکاوی دقیق و موشکافانه این مجلس می‌تواند کارآمدی یا ناکارآمدی آن را در عرصه استنباط و استدلال به‌روشنی اثبات نماید. برخی از عالمان شیعه بر این باورند که تعدادی از فتاوی ارائه شده در این مجلس با دیدگاه‌های رایج در میان فقهای امامیه همخوانی ندارد. برای نمونه علامه مجلسی پس ذکر کامل این مجلس می‌نویسد: «... بیان احکام و دیدگاه‌های شیخ صدوق که مخالف فتوای مشهور می‌باشند به تفصیل در موضع مناسب خود خواهد آمد و ما این مجلس را از آن رو گزارش کردیم که وی و پدرش از بزرگان متقدم شیعه بوده‌اند که اصحاب، عبارات ایشان را جانشین متون روایات دانسته‌اند.» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۴۰۶) بر این اساس، شایسته است به برخی فتاوی غیرمعارف شیخ صدوق که با نظر مشهور فقها در تضاد است اشاره گردد.

عنوان باب	فتاوى شاذ شيخ صدوق	فتاوى مشهور
صلات	و القنوت في كل صلاة فريضة و نافلة في الركعة الثانية قبل الركوع و بعد القراءة	المشهور بينهم شهرة عظيمة كادت تبلغ الإجماع الندب (محقق نجفى، ١٤٠٤، ج ١٠، ص ٣٥٣)
صلات	يجب الجهر بـ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ في الصلاة عند افتتاح الفاتحة و عند افتتاح السورة بعدها	والمسنون في هذا القسم الجهر بالبسملة في مواضع الإخفات في أول الحمد وأول السورة على المشهور بين الأصحاب نقلاً وتحصيلاً شهرة عظيمة كادت تكون إجماعاً (محقق نجفى، ١٤٠٤، ج ٩، ص ٣٨٥)
صلات	يجب أن يقرأ في صلاة الظهر يوم الجمعة سورة الجمعة والمنافقين	و مما انفردت به الإمامية: استحباب أن يقرأ ... في صلاة الغداة بالجمعة والمنافقين ... والحجة في ذلك : إجماع الطائفة (سيد مرتضى، ١٤١٥، ص ١٦٦)
صلات	لا يجوز [وضع الركبتين على الأرض في السجود قبل اليدين	وعلى كل حال فلا ريب في الندب ، مضافاً إلى أنه نقل الإجماع عليه (محقق نجفى، ١٤٠٤، ج ١٠، ص ١٧١)
طهارت	لا بأس بالوضوء بماء الورد و الاغتسال به من الجنابة	وعلى كل حال فهو [الماء المضاف كماء الورد] طاهر بعد طهارة أصله من غير خلاف لكن لا يزيل حدثاً أكبر أو أصغر اختياراً واضطراً إجماعاً (محقق نجفى، ١٤٠٤، ج ١، ص ٣١٠)
طهارت	إذا أراد الرجل أن يتيمم ضرب يديه على الأرض مرة واحدة ثم ينفذهما فيمسح بهما وجهه ثم يضرب يده اليسرى الأرض فيمسح بها يده اليمنى من المرفق	وأشهر الروايتين أيضاً اختصاص المسح بظاهر الكفين من الزندين إلى رؤوس الأصابع. و هو الصحاح المستفيضة و غيرها من المعتمدة ... و عليها عمل أكثر الأصحاب (عاملى، ١٤١٨، ج ٢، ص ٣٥)

	إلى أطراف الأصابع ثم يضرب بيمينه الأرض فيمسح بها يساره من المرفق إلى أطراف الأصابع	
طهارت	أكثر أيام النفاء التي تقعد فيها عن الصلاة ثمانية عشر يوماً	أن أكثره [لنفاس] عشرة كما هو المشهور كما في (التذكرة والذكرى وكشف الالتباس وجامع المقاصد وفوائد الشرائع وشرح الجعفرية و الروضة) والأشهر كما في (الجعفرية) ومذهب الأكثر كما في (المبسوط وكشف اللثام)، (عاملي، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۰۱)
خمس	الخمس واجب في كل شيء بلغ قيمه ديناراً من الكنوز والمعادن والغوص والغنيمه [ظاهر در حصر]	۱. واعلم: أنه لا يجب الخمس في الكنز حتى تبلغ عينه أو قيمته ما يجب في مثله الزكاة من مأتي درهم أو عشرين ديناراً ياجماعنا الظاهر المنقول في كلام جماعة مستفيضا (طباطبای، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۳۹) ۲. موارد خمس افزون بر موارد نام برده: ما زاد در مئونه سال، مال حلال مخلوط به حرام وزمینی که کافر ذمی از مسلمان خریده است. (طباطبای، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۳۵؛ جواهر، ج ۱۶، ص ۶۹)

بررسی تاریخی فتاوی فقهای نشان می دهد که برخی از فقهای نامدار شیعه، از جمله شیخ مفید، سید مرتضی و شیخ طوسی با دیدگاه های مندرج در امالی صدوق مخالفت ورزیده اند. این اختلاف نظرها به خوبی گویای آن است که نمی توان تمامی مطالب مندرج در این اثر را به عنوان "دین امامیه" تلقی نمود (برای نمونه ر.ک: شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۶۴؛ سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۲۵؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۶۲).

گذشته از نمونه های پیشین، در این مجلس عباراتی وجود دارد که اگرچه ظاهر آن ها وجوب را می رساند، ولی با در نظر گرفتن قرائن پیرامونی، آشکار می شود که مراد،

حکمی توصیه ای و غیرالزامی است. برای مثال در مسئله نماز شب در سفر می نویسد: «لا يجوز صلاة الليل من أول الليل إلا في السفر.» که ظهور در حرمت نماز شب در ابتدای شب دارد و یا به گاه شمارش موارد غسل می نویسد: «و الغسل في سبعة عشر موطنًا غسل ليلة سبع عشرة من شهر رمضان و ليلة تسع عشرة و ليلة إحدى و عشرين و ليلة ثلاث و عشرين و للعیدین و عند دخول الحرمین و عند الإحرام و غسل الزيارة و غسل الدخول إلى البيت و يوم التروية و يوم عرفة و غسل الميت و غسل من غسل ميتاً أو كفنه أو مسه بعد ما يبرد و غسل يوم الجمعة و غسل الكسوف إذا احترق القرص كله و لم يعلم به الرجل.» در حالی که برخی از این موارد همچون غسل میت واجب و برخی مانند غسل عید فطر و قربان مستحب هستند. برای نمونه برخی فقیهان، در مسئله بایسته بودن غسل به هنگام خورشیدگرفتگی به این عبارت شیخ صدوق پرداخته و آن را ظاهر در وجوب ندانسته است (رازی نجفی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۲۱۱)، همچنان که برخی دیگر آن را ظاهر در استحباب انگاشته اند (بحرالعلوم، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۴۵۵).

به نظر می رسد این اختلاف برداشت از عبارات مجلس نود و سوم ریشه در "مأثور" بودن آن داشته باشد. توضیح آن که آثار فقهی متقدمان شیعه دو گونه بوده است؛ نخست کتاب هایی که نگارندگان آن ها اهتمام ویژه ای بر تحفظ بر نصوص وارده از معصومان (ع) داشته اند و می کوشیدند تا حد امکان پا را از متون احادیث، فراتر نگذارند. در این روش، عبارات فقهی غالباً منطبق با الفاظ و واژگان موجود در روایات تنظیم می گردید. این دسته از آثار در اصطلاح فقهی تحت عنوان "فقه مأثور" یا "اصول متلقاة" شناخته می شوند. گونه دوم کتاب هایی هستند که نگارنده، از متون اخبار تعدی کرده و به عبارات احادیث پایبند نبوده است بلکه با طرح فروع نوین، به تبیین احکام آن ها اقدام کرده است. از این دسته از آثار نیز به عنوان "فقه تفریعی یا استدلالی" یاد می شود (برای اطلاع بیشتر ر.ک: مبلغی، ۱۳۹۸، ص ۲۶۱ و مبلغی، ۱۳۹۸، ص ۵۳۳-۵۶۴ و جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۵۷-۸۰).

در پایان باید گفت با ملاحظه نکات یاد شده، فتاوی شیخ صدوق در این مجلس نهایتاً به عنوان مؤید و در کنار دیگر ادله سودمند است، اما کارایی مستقل

نخواهد داشت چراکه نخست این مجموعه مشتمل بر شمار قابل توجهی از آراء فقهی شاذ و ناهم‌خوان با نظریات مشهور فقهای امامیه است و دوم از آن جاکه متن این مجلس ریشه در متون روایی دارد، در موارد متعددی فاقد ظهور لازم در بیان احکام تکلیفی (وجوب، استحباب، حرمت یا کراهت) می‌باشد و از این حیث دچار اجمال است. این ویژگی موجب می‌شود که نتوان به صورت مستقل به آن استناد نمود، مگر آن‌که در کنار مجموعه قرائن و شواهد دیگر، به عنوان بخشی از زنجیره استدلال فقهی مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

شیخ صدوق، عالم نامدار سده چهارم هجری، در روز دوازدهم شعبان المعظم سال ۳۶۸ قمری، به درخواست جمعی از مشایخ و اهل علم نیشابور، به اختصار به تبیین اصول و فروع «دین امامیه» همت گماشت. این مجلس که در مرکز علمی نیشابور تشکیل گردید، حاوی اشارات عمیقی به اساسی‌ترین مسائل در سه حوزه: مبانی کلامی اعتقادی، مسائل فقهی استنباطی، و مسائل اخلاقی بوده است. فقیهان متأخر امامیه با تمسک به فتاوی شیخ صدوق در این مجلس، پنج رویکرد متمایز استنباطی را نمایندگی کرده‌اند: نخستین گروه، این فتاوی را تجلی گفتمان جمعی فقهای امامی می‌دانند؛ دسته دوم، آن را بازتاب نظریه پردازی مشهور فقهی تلقی می‌کنند؛ دسته سوم، این آراء را نشان‌گر روایات مفقوده معصومان (ع) می‌پندارند؛ گروه چهارم فقهای انفتاحی با نگاهی قرینه‌نگر، آن را در زمره شواهد وثوق آور قرار داده‌اند؛ و پنجم، اصولیان انسدادی با معیار مطلق ظن، به این فتاوا استناد کرده‌اند. با دقت در شیوه تألیف شیخ صدوق که همواره بر پایبندی به نصوص روایی تأکید داشته است، درمی‌یابیم که بسیاری از عبارات مندرج در این مجلس فاقد ظهور لازم در بیان احکام تکلیفی می‌باشد. این ویژگی موجب بروز نوعی اجمال و ابهام در دلالت‌های فقهی متن شده است. از سوی دیگر، وجود شمار قابل توجهی از فتاوی شاذ و ناهم‌خوان با نظرات مشهور فقهای امامیه در این مجلس، هرگونه ادعای کاشفیت آن از اجماع یا شهرت فتوایی در عصر مؤلف را با تردید جدی

مواجه می‌سازد. با نظر داشت این دو نکته - یعنی اجمال دلالتی و وجود آراء شاذ - نمی‌توان به این فتاوا به عنوان منبعی مستقل و خودبسنده در فرایند استنباط احکام شرعی تکیه نمود. با این حال، در صورتی که این فتاوی در کنار مجموعه دیگری از ادله و شواهد فقهی قرار گیرد، می‌تواند به عنوان مؤیدی ارزشمند در تقویت استنباط مورد استناد واقع شود.

فهرست منابع

۱. احمدی، مهدی؛ رحمتی، محمدکاظم. (۱۳۸۹ش). تاریخ حدیث شیعه در سده‌های چهارم تا هفتم هجری. قم: دارالحدیث.
۲. اشرفی، احمد رضا. (۱۳۸۹ش). «حوزه حدیثی نیشابور از ابتدا تا اوایل قرن هفتم». مجله علوم حدیث، ۱۵(۳). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/752116>
۳. جمعی از نویسندگان، تحت اشراف آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی. (۱۳۹۵ش). دانشنامه آثار فقهی شیعه از آغاز تا قرن هفتم. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۴. مبلغی، احمد. (۱۳۹۸ش). درس خارج و گام‌های اجتهاد. قم: اشراق حکمت.
۵. نویدفر، محمد. (۱۳۹۷ش). «عوامل مؤثر بر شیوه گزینش و نقل گزارش‌های تاریخی در امالی شیخ صدوق» [پایان‌نامه کارشناسی ارشد]. مشهد: دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم اسلامی.
۶. احسانی، ابن ابی جمهور. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، (تحقیق: مجتبی عراقی). قم: دار سید الشهداء للنشر.
۷. اصفهانی، شیخ الشریعة. (بی‌تا). أحكام الصلاة، (تحقیق: محمد حسین سبحانی تبریزی). اصفهان: مکتبه الإمام امیر المؤمنین العامة.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب الطهارة، (تحقیق: گروه پژوهش در کنگره). قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۱۵ق). کتاب الصلاة. قم: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكری المئویة الثانية لمیلاد الشیخ الأعظم الأنصاری، الأمانة العامة.
۱۰. بحر العلوم، سید مهدی. (۱۴۲۷ق). مصابیح الأحکام، (تحقیق: سید مهدی طباطبائی و فخرالدین صانعی). قم: منشورات میثم التمار.
۱۱. تستری، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). النجعة فی شرح اللمعة. تهران: کتابفروشی صدوق.
۱۲. حائری، شیخ عبدالکریم. (۱۳۵۳ق). الصلاة. قم: المطبعة العلمية.
۱۳. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة، (تحقیق:

- محمدباقر خالصی). قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. حکیم، سید محسن طباطبائی. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دار التفسیر.
۱۵. رازی نجفی (ایوان کیفی)، محمدتقی. (۱۴۲۷ق). تبصرة الفقهاء. تحقیق: صادق حسینی اشکوری. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
۱۶. سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۲۴۷ق). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۱۷. سید مرتضی، علم الهدی. (۱۴۰۵ق). رسائل الشریف المرتضی. قم: دار القرآن الکریم.
۱۸. سید مرتضی، علم الهدی. (۱۴۱۵ق). الانتصار. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۹. سیستانی، سید علی. (۱۴۳۷ق). الإجتهد والتقلید و الإحتیاط، (تقریر: سید محمدعلی ربانی). نجف: سایت تقریرات. بازیابی از: taghrirat.net
۲۰. سیوری، فاضل مقداد. (۱۳۷۳ش). كنز العرفان فی فقه القرآن، (تصحیح محمدباقر بهبودی). تهران: نشر مرتضوی.
۲۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۳۶۲ش). الخصال، (تحقیق علی اکبر غفاری). قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۳۷۶ش). الأمالی. تهران: نشر کتابچی.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۳۷۸ق). عیون أخبار الرضا (ع)، (تحقیق مهدی لاجوردی). تهران: نشر جهان.
۲۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه. (۱۴۱۷ق). الأمالی، (تحقیق قسم الدراسات الإسلامية). تهران: مؤسسه البعثة.
۲۵. طباطبائی، سید علی بن محمد. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام بالدلائل، (تحقیق محمد بهره مند و دیگران). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۲۶. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۳۸۷ق). المیسوط فی فقه الإمامیه. تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۷. طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۲۰ق). فهرست کتب الشیعه و أصولهم. قم: انتشارات ستاره.
۲۸. کاشف الغطاء، حسن بن جعفر بن خضر. (۱۴۲۲ق). أنوار الفقاهه. نجف اشرف: مؤسسه کاشف الغطاء.
۲۹. مازندرانی، ابن شهر آشوب. (۱۳۸۰ق). معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعه و أسماء المصنفین منهم قديماً و حديثاً. نجف: المطبعة الحيدرية.
۳۰. مامقانی، عبدالله. (۱۳۵۱ق). تنقیح المقال فی علم الرجال. نجف: مطبعة المرتضویه.
۳۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۱۰ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

نوكاوى "مجلس نود و سوم امالى شيخ صدوق" به عنوان سندی برای استنباط احكام فقهي / ميرشاه ولايتي، راد ١٠٧

٣٢. الفاجالو، محمد. (١٤٣١ق). الحياة العلمية في نيسابور خلال الفترة ٢٩٠هـ إلى ٥٤٨هـ. مكة المكرمة: جامعة أم القرى.

٣٣. مفيد، محمد بن نعمان. (١٤١٠ق). المقنعة. قم: جامعه مدرسين حوزه علميه.

٣٤. ملكيان، محمد باقر. (١٤٤٦ق). التحليل الفهرستي: دراسة في منهج قدماء الإمامية و مسلکهم في العمل بالأخبار و دور الفهارس فيه. قم: معارف أهل بيت (ع).

٣٥. مهريزي، مهدي. (١٤٢٩ق). تراث الشيعة الفقهي و الأصولي. قم: المكتبة المختصة بالفقه و الأصول.

٣٦. ميرزاي قمي، ابوالقاسم. (١٤٢٠ق). مناهج الأحكام (كتاب الصلاة). قم: جامعه المدرسين في الحوزة العلمية.

٣٧. نجاشي، احمد بن علي. (١٣٦٥ش). رجال النجاشي. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجامعة المدرسين.

٣٨. نجفي، محمد حسن. (١٤٠٤ق). جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، (تحقيق عباس قوچاني، علي آخوندي). بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٣٩. نراقي، مولي احمد بن محمد مهدي. (١٤١٥ق). مستند الشيعة في أحكام الشريعة، (تحقيق گروه پژوهش مؤسسه آل البيت (ع)). قم: مؤسسه آل البيت (ع).

٤٠. همداني، آقا رضا بن محمد هادي. (١٤١٦ق). مصباح الفقيه، (تحقيق محمد باقری، نورعلي نوری، محمد ميرزائي، سيد نورالدين جعفريان). قم: مؤسسه الجعفرية لإحياء التراث و مؤسسه النشر الإسلامی.

٤١. وحيد بهبهاني، محمد باقر بن محمد أكمل. (١٤١٩ق). الحاشية على مدارك الأحكام، (تحقيق مؤسسه آل البيت (ع)، شعبه مشهد). قم: مؤسسه آل البيت (ع).